بتاریخ پنج شنبه هفتم ذی القعده الحرام سنه ۱۳۲۸

نسوان شرق

۱۳۲۸

روزنامه ایست اخلاق وبچه داری وخانه داری ومسلك
مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزه گان و تصفیهٔ
اخلاق زنان وغیره وغیره است

محل اداره

طهران خیابان علاء الدوله نمره ۲٤

صاحبهٔ امتیاز و مدیره

خانم دکتر کحال

مقالاتیکه با مسلك جریده موافقت دارد

پذیرفته خواهد شد

مکاتیب وارده بصاحبانشان مسترد نمیشود

اعلانات سطری یك قران

قیمت اشتراك

یکساله شش ماهه سه ماهه

طهران ۱۲ قران ۷ قران ٤ قران

ولایات داخله ۱۵ قران ۹ قران ٥ قران

ممالك خارجه ۷ فرانك ٤ فرانك ....

تك نمره طهران ٤ شاهی

سایر ولایات ٥ شاهی

عجالتاً هفته یك نمره طبع

و نشر خواهد شد

نقل از روزنامه الکایسی مرسوم به(حم جت) تدبیر حفظ‌الصحه مادر بطفل خود از حین ولادت تا پسن رشد

این مطالب که ذیلا درج میشود سرگذشت یك طفلی است که باقتضاء حفظ‌الصحه مادر خود از روز ولادت تا سن رشد زندگی میکند

امید است مادران جوان بچه دار این‌را بخوانند و ملاحظه حال بچه‌های خودشان راینمایند حتماً نتیجه خوب خواهد بخشید

چه طور رشد نمود ؟

پسرم (جرجی) روز ولادت طول قدش نیم ذرع بود حکیم میگفت این اندازه بسیار صحیح است و کم اتفاق‌می‌افتد که بچگان باین‌اندازه باشند بلکه اغلب یا از نیم‌ذرع کمتر بوده اندیابیك گره بلند تر شده اندولی این طول نیم ذرع‌بسیار بقاعده است و مطابق مزا صحیح میشود و پهنای سینه پنج گره بود و اینهم از حسن خلقت او بود که دلیل است بر وجود صحت در تن آن

این اندازه ها را همان روز در کتاب یاد داشت نمودیم که صورت آن دفتر از قرارذیل‌است و آخر هفته اول که اندازه اورا گرفتیم بهمین‌قرار تا آخر یکسال اندازه نمودیم و معلوم بود که هفته اول آنقدری رشد نموده بود هفته های بعد بان اندازه رشد نمیکرد یعنی کمتر از قدر ها بود (تا یکسال)

سال دویم بهمین ترتیب اندازه گرفتیم به تدریج رشد کرد تا آخرسال ولی نسبت بسال‌اول دو گره بیشتر بزرك شده بود و نیز در آخر سال سیم دو گره و نیم از سال دویم بزرگتر شده‌بود و هم چنین در سال چهارم دو گره نیم ازسال‌سیم

صورت رشد بچه در سال اول

سن	طول	گره
روز ولادت	۸	۲
یکهفته	۸	۲ — ۱
دو هفته	۸	٤ — ۳
سه هفته	۹	۲
چهار هفته	۹	٤ — ۱
پنج هفته	۹	۲ — ۱
شش هفته	۹	٤ — ۳
هفت هفته	۱۰	۲
هشت هفته	۱۰	۱ — ٤
نه هفته	۱۰	۲ — ۱
ده هفته	۱۰	٤ — ۳
یازده هفته	۱۱	۲
دوازده هفته	۱۱	٤ — ۱

که در آخریکسال تماماً یازده گره و ربع قد کشیده‌بود در بچه که تازه مولود شده هیچ زکوت نمیشود و چشمش چیزی را نمیبیند جز روشنائیرا که بچشمش میخورد اثر کرده چشمهای خود را بهم میگذارد و در او سایه هم نمیشود و از پشره و چهره او که قرمز و دارای چورك است عدم فهم او مشهود میشود ولی سه حالت از او سر میزند خوردن . گریه کردن . خوابیدن . در هفته اول پیش از این سه حالت دارد هویدا نمیشود بعد از یك هفته کم کم چین‌های صورت صاف میشود و قوه دیدن پیدا میکند و این بچه مذکور ما اول مادر خود را شناخت چونکه خودم‌شیر او را میدادم‌من انس گرفته بود اما مادرانیکه اول خودشان‌به‌بچها شیر نمی دهند بچه باو مهر نمی رساند یاکه مهر خود شرا بان زن اوایکه باو شیر داده می اندازد تا آنوقتیکه این بچه را نداشتیم می شنیدیم‌که‌بچها شبها به پدر ومادرشان پی خوابی میدهند وبسیار گریه میکنند اما در این بچه‌این صدمات را ندیدیم و خودم در اغذیه و خوراك خود ملاحظه داشتم که به غذائی بخورم که بحالت بچه ضرر نداشته و آن شیریکه می خورد بان سازش داشته باشد از این جهة هیچوقت دردی در دل او ندیدیم و هر روز قدری اورا میگرداندم‌که بوجود او هوای‌تازه خوب بخورد و شبها آرام و مستریحاً بخوابد

بهمین طور رفتار میکردم و ابداً شب نخوابی‌و گریه‌از آن طفل مشاهده نشد

خطاب بدختران

هرصبح که سراز خواب برمیدارید پیداز نماز وفریضه صبح تمام احتیاجات ذرعی خود را از خداوند متعال مسئلت نمائید مخصوصاً چیزیکه بسیار مهم است آنست که هرروز ازحضرت باری تعالی

کمك و هدایت تمام او قات آن رود و بلکه مادام العمر را بیابید که تمام اعمال و کردار شما از روی درستی و دیانت باشد و همیشه درنظر داشته باشید که هر کاری بخواهید بکنید اول درست فکر و تامل نمائید اگر بر خلاف اراده و مشیت الهی است از آن دست بکشید و انچه دراو رضایت خدا منظور و ملحوظ میشود انرا بجا بیاورید و کوشش نمائید که در آن روز جمیع افعال و اقوال شما موافق صواب ودور ازمخالفت اراده مقدس الهی باشد

کریم

هر وقتیکه بما یك دانگی رو بدهد که از شدت دانگی سیر و طاقتمان قطع شود بایست اولا از خداوند صبر و تحمل مسئلت بنمائیم

و باید یقین بدانیم که صبر و مرحمت را که عطا میفرماید بجهة شاکر گذاری و سئوال ما از صمیم قلب است بعد از انکه ما صبر نمودیم و توکل بر کریمی خدا نموده نتیجه خوبرا برای ما عنایت خواهد فرمود

و ای ما عنایت خواهد فرمود

غم خوردن

بیهوده غم خوردن و ایام آسوده کی را منظور ساختن و برای چیزهای گذشته واز دست رفته تاسف خوردن تماماً بی حاصل و عمر خود ضایع نمودن است انسان نباید دائمك باشد و اظهار غمگینی نماید بلکه در هر حالت باشد و بهر قسمی روزگار پیش آید خوشحال وخرم بایست باشد چه اگر دانگی بنماید اولا وقت خودش را غنیمت لدانسته و بر خلق خود نشکر و ثنا ننموده چرا که هرچه شد شد و هرچه بایست بشود آنهم خواهد شد و باتدبیرات الهی وسر نوشت خود نمیتوانیم کرد و هر حالتی که هستی ذات را مسرور نموده وقت خودت را غنیمت بشمار

ای بسا بیشود دانهایی دانگی وغصه بودهٔ وقت دیگری پیش آمده باز دانگ وبماید بقسمی که حسرت آن وقت پیش را خوردماید این است که حافظ میگوید

(روزی اگر غمی رسدت نادل میاش)
(دو شکر کن مباد که از پند پتر شود)

و این خسی است

امام علیه السلام میفرمایدالبلاءالولاء یعنی بلا برای دوستان است هرکادوست بیشتر وغور تمیشود خواهدداشت که ای بسا بوده است که کسی از جزئی دل تنك بوده یك کسی دیگر حسرت آن را کشیده است پس از غصه خوری کار باطل و تضییع عمر است

کار کردن

مخفی نماناند که کار کردن از برای شخص عین انجابت است و شخص کار کن و نجیب و زحمت کش حتماً باجوهر و وسعت معاش و محبوب القلوب بتمکان خود میشود و در هر حال

مرفه الحال

چیزی کهباعث بد بختی وهر نوع پریشانی و ذات و مسکنت و فقر ما اهل ایران است آن است که همیشه گمان می کنیم کهخانم نباید کار کند و با نباید هنر مند شود و اگر یك خانمی فطرتاً غیر تمند باشد و بخواهد در خانه خود یك کاری را انجام بدهد و شخصا مباشر کار باشد چهار نفر دیگر لامحاله مانع او می شوند که خانم شانش اجل است از اینکه فلان کار را بکند غافل از آنکه خداوند متعال که چشم و گوش و دست و پا و قوه وقدرت داده باید هر کدام از مصادر دنیا کار بگیریم و زحمت بکشیم و نباید زحمت و کار خودرا بگردن دیگران بیاندازیم که قطع نظر از سایر ملاحظات کار خودش برای حفظ صحت ما چقدر مناسب است و چقدر اسباب تقویت بنیه و موجب سایر فوائد دیگر است مثلا از برای انبساط غصه دار هیچ چیز بهتر از سرکار نیست شخص بی کار همیشه کاهل وتنبل و بی قوت میشود چرا که گفته اند حرکت از تو برکت از خدا

روزی ما را ملاحظه کنید که از دانه کندم است خداوند متعال جل شانه بما آب

و خك و دانه اطاب كرده تا شخم نمائيم و دانه نپاشيم و آب ندهيم بالاخره ما پارم نان را در دست نسازيم ايداً خوراك ما موجود نخواهد شد نه اينكه در هر موردي يك نفر زحمت بكشد و چند نفر استراحت كنند بلكه بموجب انصاف همه بالسويه بقدر طاقت خويش بايد در زحمت باشد تا راحتي هم مساوي گردد

خوشحالي

هيچ وقت خوشحالي از زيادة دولت و امثال آن حاصل نميشود ولي از محبت و رضا مندي خدا و خير خواهي نوع خوشحالي صحيح حاصل ميشود چون هر كسي بدرستي و صواب حركت نمايد خدا يك خوشحالي و فرحي بر قلب او مي اندازد

محبت اگر در دنيا نباشد كارهاي عالم سخت ميشود و چنانچه اگر كار خانه محبت را بكرديم البته هميشه خوشحال و متذكر وضع و راحتي بهشت خواهيم شد

﴿ بقيه خانه داري ﴾

هر گاه يكي از كاتها ناخوش شد بايد قسمي از او پرستاري شود كه از بكي از اعضاي خانه و اولاد صاحب خانه بيشود .

خانم خانه بايد كار هاي خانه را ما بين كاتها تقسيم نمايد تا هر يك تكليف خود را بداتند — و كارها را هم براي ايام هفته تقسيم كند كه هر روزي براي چه كاري باشد حتي ساعات روز را براي كارها تقسيم نمايد اگر چه اين عمل در ظاهر بنظر مشكل مي آيد اكن همينقدر كه چند روزي مواظبت نمودند عادت مي شود و آسان ميگردد — مثلا اول صبح براي چاي خوردن و سر كشي بامورات خانه ساعت بعد از آن براي خياطي و ساعت ديگر براي چيز ديگر بلي خياطي دراول رو و ديد وبازديد در وقت عصر مناسب تر است اكن وقتي شوهر در خانه است خانم نبايد بيرون برود و هر وقت بيرون ميرود بايد در وقت آمدن آقا خود را بخانه برساند بجهت اينكه وقتي آقا در منزل باشد و خانم نباشد دلتنك خواهد شد بعد از نهار قدري استراحت لازم است

سابقا عرض شد كه كار ها را بايد به ايام هفته تقسيم نمود مثلا يك روز را مخصوص رخت شوئي قرار داد و آن روز اگر رخت شور از خارج ميايد و غير از كلفت خانه است بايد رختها را درست تحويل او داده صورت برداشت و پس از آنكه شسته و مي آورد ازروي صورت از او تحويل گرفت .

(تقسيم كارها بايام هفته)

بعضي كارهاي خانه است كه تقسيم بردار نيست و همه روز بايد بشود مثل جمع نمودن رختخواب و جاروب كردن اطاقها و امثال اينها اكن بعضي كارهاست كه در هفته يك روز كفايت است مثلا اينرقسم تقسيم كنند :

شنبه جاروب نمودن اطاق خواب و رخت شوئي

يكشنبه . جاروب نمودن اطاق مهمان خانه

دو شنبه جاروب نمودن اطاق سفره خانه و اتو كشي اياسها

سه شنبه جاروب كردن اطاق خانم

چهار شنبه جاروب كردن شربت خانه و آش پز خانه

پنجشنبه جاروب نمودن و پاكيزه كردن انبار ها و زير زمين ها

جمعه پاك نمودن ظروف مس و برنج و نقره را

(بعضي نمانند جاروب نمودن كار همه روز است اين جاروبي كه در هفته يكبار ذكر ميشود مقصود خانه تكاني است مثلا ميتوانيم سه شنبه جاروب كردن اطاق خانم يعني فرش ها و اسباب و مبل انجا را تمام بيرون آورده پاك كنند و الا اطاق خانم و غيره همه روزه بايد جاروب بشود

هر گاه يكي از كاتها عوض شد آن كاتت

تازه را خانم باید درست تکلیف و دستورالعملش را باو حالی نماید

خانم خانه هر گاهی را باید هفته یکروز باید آزاد نماید تا او بکارهای شخصی خود برسد یا اگر کار شخصی ندارد استراحت نماید فایده این کار این است که در سایر ایام آن کلفت از روی دماغ خوش کار میکند وهم بواسطه استراحت بزودی ازکار وقوه نمی افتد هرگاه روز عید شد خانم باید به کلفتها عیدی بدهد که اسباب تشویق وداگرمی انها می شود

خانم بقدر امکان نباید خدمتکاررا عوض نماید زود عوض نمودن کلفتها از بی کفایتی خانمها ست که نمیتوانند انهارا اداره نمایند

که هرگاه کاهی خلافی نمود خانم باید اورا درخلوت بخواهد وبزبان نصیحت اورا ملامت نماید بطوری که سایر کلفتها مطلع نشوند آن وقت آن کلفت مقصر ممنون میشود که دردفعات هشدارها اورا رسوا نکرده و باین ملاحظه می میکند تاایرادها ازوی خطائی صادر نشود که موجب ملامت خانم باشد

هرگاه در میان کلفتها نزاعی شد وصدای انها بگوش خانم رسید خانم نباید خودرا داخل آن نزاع نماید یکه مثل بی خبران بنشیند لیکن بانها بملایمت بگوید صدای شما نباید بگوش من برسد طوری باشد که کلفتها خانم را بی طرف بدانند وقتی که خانم رابی‌طرف دیدند وبی میل بمنازعه انها هم موقوف میکنند

هر گاه کلفت تازه لازم شد وقتیکه او را می آورند خانم بلباسهای او نظر که اگر کثیف است او را بفرستد که دایل بر کثافت و تنبلی او میشود کلفت که نظیف و زرنگ بود لاجار لباس خودش را پاکیزه نگاه میدارد .

بعضیها باین نکات بی نمی برند و کرفتار نوکر و کلفت بد میشوند .

﴿ دفتر حساب و مخارج ﴾

هر گاه مخارج خانه بعهدهٔ خانم است و با شوهر ماهیانه قرار داده باید از برای ضبط و ثبت حساب دفتری داشته باشد دارای دو دفتر یکی برای نوشتن خرج ودیگری دخل — یعنی هر چه از بابت ماهیانه از شوهر دو یافت مینماید در یك دفتر بنویسد و مخارج روز بروز را در دفتر دیگر اینکار خیلی‌مواظب باشدکه مخارج زاید بر ماهیانه نشود و همه روزه در این باب دقت نماید — این حساب نگاهداشتن برای خانمها خود یك مشغولیائی است که مدتی خاطر را مشغول میدارد

در دستور العمل رخت شوری

(بقیه خانداری)

دستور العمل رخت شوری

کلیاً رخت شوری‌را باید بروزی انداخت که در آن روز کارهای متفرقه بخانه کمتر وسبك تر باشد و بهتر آن است که در هر هفته یك روز رخت شوئی بشود زیرا وقتی که رختهای چرك زیاد بماند بد بو می‌شود - روز رخت شوئی اول کاری که باید بکنید این است که رختها را از یکدیگر جدا کنند باین معنی که پشمینه را علیحده پنبه را علیحده سفید را علیحده الوان را علیحده بر روی هم دسته نمایند و هر تارك رخت شوئی از روز قبل بشود بهتر است که رخت ها را دسته دسته کنند و البته سفید است از روز پیش بخیسانند صابون و نیل و جوش شیرین مهیا نمایند البته این اعمال در وقتی است که هوا ابر و بارانی نباشد صبح که میشود اول دبك آب را بر سر بار بگذارند و لباسهای پشمینه و رنگین را جاو بیندازند زیرا که آنها دیر تر خشك میشود و اگر هوا ابر باشد باید هر پارچه لباسی کهنرك تر است جاوبیندازند و سفید هارا بگذارند وقتی که آفتاب است بهن کنند که بآفتاب سفید بشود و رختهای سفید را درزمستان باید بیشتر در آب ساف بخیسانند لباس پشمی را باید در آب گرم شست ودر آب گرم پس از شستن دو سه دفعه آب کشیده و در آخر باندازه فشرد که موج آب در میان آنها نماندو پس از فشردن باز کرده نگاه‌بدهند آنوقت سرش‌بدنست

بگیر داده باشند که از هیجطرف جمع نشود بعد از آن روی بند پتو میاندازد که بخشکد و هیچوقت پارچه پشمی را با آب سرد نشویند چرا اینکه اولا آب سرد او را یك میکند دوتا پارچه پشمین در آب سرد جمع میشود

واما پارچهای سفید پس از دودفعه با آب گرم وصابون وشستن پریزند دردیك لب سره که در آن آب قدری خورده صابون ومقداری جوش شیرین وقدری پوست تخم مرغ قدری خاکستر که در کیسه کرده باشد آنوقت آن دیگ را بر سر اجاق گذاشته از یکساعت الی سه ساعت میجوشانی و گاه گاهی با چوب کاغذی رختها را زیرورو میکنی که مبادا یه تك دیگ بجسبد و فایده خاکستر و جوش شیرین این است که اگر اگه در لباس باشد پاك میشود خلاصه بعد از آن آب نیل را درست میکنی بطوریکه نه پر رنك باشد و نه کم رنك آنوقت لباسها را در میان آن آب عوطه داده و فشار میدهی وروی پتو می اندازی که بخشکد .

وآن لباسهای الوان را جوشانیدن لازم نیست هیقدر که با آب گرم وصابون بشورند وبعد از آن با آب صاف آب بگیرند کافی است نیل هم لازم ندارد

و اما پارچهای کثیف مثل قاب شوری و لامپا یك کنی و آستری و از این مقبیل چیزها را از آب رخت شوری بعد از شستن لباسها بشورند و در دیگ بعد از بیرون آوردن لباسها بجوشانند یك میشود

در هوای ابر لباسهای پشمی دیر میخشکد در اینصورت باید در اطاق آویخت تا خشك بشود و اگر زنهار که باتش و بخاری نشان ندهند که جمع وضایع خواهد شد .

لباسهای پشمی نیره را با صابون بشویند سفیدرا میزند باید با چوبه شست .

(بقیه دارد)

بقیه سوء هضم دن خانم جون بمرد کامل

لازم دانستم بتدریج بترتیبات آن اطاق رسیدگی بکنم هروقت اول ورود خودم را باین اطاق بنظر میاوردم که چگونه از وضع بی ترتیبی اثاثیه خنگم تنك شده بود و کمی مانده بود که تمام اساس اثاثیه را دور بیاندازم ولی عنان صبررا از دست ندادم و از روی آرامی و ملایمت در صدد اصلاح بر آمدم همان حلم و صبر ان روز برای من بسیار اسباب سرور و خوشحالی بود چه اگر اول دفعه بنای اوقات تلخی را میگذاشتم و بنوکر از روی سخق امر ونهی میکردم از نظر همه آن ها افتاده و در نزد هیچ یك از آنها عزت پیدا نمی کردم و بچهها از من لاابالی متنفر و رلجیده میگشتند و عمده مقصودم این بود که پیش بچها معزز شده با من الفت پیدا کنند پس طوری که صلاح دانستم و رفتار نمودم از این قرار بود

اول قالیهای اطاق که بسیار چرك بود امر نمودم که ببرند و بشویند و قبل از فرش کردن اطاق تمام کاغذهای دیوار اطاق را دادم کندند و عوض کاغذ تمام دیوار و کف اطاق را خوب تعمیر کرده رنك و روغن سفیدی زدند برای انکه دیوار رنك وروغن شده بخلاف کاغذ که (میگروب) قبول نمیکنند ابداً میکروب نخواهد گرفت و ممکن است هر وقت اگه یا چرك بشود با آب گرم و صابون شسته شود

ان خرگوش (بزبچه بچها) که در گنج اطاق بود و آن گلدان های زیاد که در پنجره بود و از باز شدن در و از دخول هوای صاف مانع میشد همه اش را کم کم از اطاق خارج نمودم و رختهای کثیف پراز کرد و خاك را تماماً تمیز کردم با ترتیب در جا های مناسب گذاشتم و دیگر یك صندوق مخصوصی در اطاق علیحده معین کردم که همیشه رختهای کثیف را انجا بگذارند و هر وقت لباس عوض میشود انجا گذاشته شود تا رخت شو جمع کرده انهارا بشوید

بعد ازانکه اطاق تمیز ومرتب وفرش شد دو یکظرف مناسب ازاطاق یك میز و چند تا صندلی بقدرلزوم و احتیاج درجای دیگر گذاشتم اطاق حیاتی وسیع وباروح شده بچها بواسطه وسعت اطاق دیزی میاوردند بان صافی هوا یقینی خوشحالی والبساط داشتند گوئی از زندان بیك قصر سلطنتی رفته باشند

بقیه دارد

(حفظ الصحه زنان)

بعض تذکر خاطر بعضی از خواتین محترمه خانه دار که بواسطه مشغله زیاد باید حسب من ازخود دست کشیده ومایوس شده الد مینویسم ودالمتن آن از برای خانمهای جوان بسیار لازم وخوب است

ای خواهران وای دختران من اول چیزیکه خاطر نشان شما میکنم اینکه توجه حال وتقاضات خود را مقدم بدارید کارهای خانه‌را بدستورالعمل حالی گذاشت بنمائید که او انهارا انجام بدهد و شما بواسطه زحمات سخت ناخوش نشوید توجه حال خود وتغییر لباس وپاکیزه کی برای شما از همه چیز مقدم تراست زیرا که فائده اول آن انستکه بچهای شما پاکیزه کی ونمیزی را از شما یاد میگیرد وبهمان طور تربیت خواهند شد دیگر اینکه همیشه در انزد شوهر پسندیده ومقبول خواهید شد نقطه دومرتبه استحمام کردن لازم وهروقت بواسطه راه رفتن ومشغله زیاد برای شما خستگی عارضی شود کف یا وروی‌پا هارا قدری درآب گرم بگذارید تااینکه رفع درد وخستگی شود پیراهن ولباس زیری که شب بان می‌خوابید روزها در بر نداشته باشید یعنی رسمتان این باشد که یك پیراهن مخصوصی از پسرای خواب داشته باشید که وقت خواب انرا بپوشید وچون برخواستید عوض بنمائید و هر دوزه یا سه روزه لباسهارا تماماً عوض کنید و هر روز بعد از ناهار یك قدری راحت باشید و پیش از نیم ساعت نخوابید که خوابیدن زیاد در روز انسان را سست و کاهل میسازد واحیکر چنانچه خوابتان نبرد یك ربع ساعت چشمهارا بهم بگذارید تا اینکه چشم راحت باشد و قوه پیدا کند و در آن یك ربع ساعت فکر و خیالات را از خود دور نمائید تا مغز سر تان راحت شود و چیز دیگر که بحال انسان مفیداست قدری گردش و قدم زدن در جاهای و سیع است نه اینکه همیشه راحت وساکن باشید که باعث قربهی زیاد شده وقلب بواسطه چاقی گرفته شده بسختی حرکت نماید

هوای صاف تاندماش چنانستکه در گلهای او شگفته مشاهده میکنید که چقدر با طراوت و خرم است

(تدبیر مختصر کم خرج و آسان)

از برای رفع خشکی پوست صورت و نرم و سفید کردن آن . . . . چند ورقه خیار پوست نکنده در قدری شیر خیس نمائید و بعد ازدو ساعت از برای استعمال حاضر میشود اول صورت و گردن و دستهارا با آب گرم و صابون بشویند و بعد از آن دستهاوصورت‌راازشیرمذکور مالش‌بدهید

بیانوئی است که صبح خریده‌ام بگوئید بیاورند او (خانم بابی) شب ها برای ما بزند

اگر این دو نفر کمك می خواهند آدم ها را صدا بزنید آمده کمك بگنند

و این را در جای همان پیانو گفته گذاشته و اولی را در انبار بگذارند عجوزه به فرمایش پسر عموی خود رفتار نمود ولی از این پول خرج کردن بسیار متحیر مانده بود که چگونه (مستراستیون جاوس) دل ازجان گذاشته پیانو خریده است و بعد بن جهت حسد می برد و بی دماغ میشد ان شب را بابی خانم بپیانو زدن بسر برد و بعد از قدری زدن بنای خانمدکی را گذاشت از بس نغمات دل نشین شیرین داشت مل‌مستراستیون‌جاوس‌را بقسمی ربوده که خودش هم بخواندن شروع کرد ان شب دیر تر از سایر شبها خوابیداد

همینکه دختر باطاق خواب رفت (مسترا ستیون جاوس) بعجوزه گفت که عجب شب خوشی‌داشتیم که اگر در تیاتر بودیم همچه موزیك و عیشی نداشتیم از کثرت حوش حالی که داشت باطاق تحریر رفته آن عکس های زشت و کاغذ هائی را که از اداره فرستاده بودند تماماً از کشو میز در آورده سوزاند و چند تا فحش هم به رئیس نگاح داد که مرد چقدر بتو امید وار بودم با همه مخارجات بزرگ کاری از برای من صورت ندادید و کاغذی هم به رئیس نوشت که دیگر شما از برای من زحمت نکشید بس است بس است هرچه زحمت کشیدید

بدهید

دستور رفع جوروك و چینهای صورت

وقت خواب قدحی پر از آب جوش کرده صورت را روی ان نگاه داشته بطوریکه با حوله یا پرچه روی سر و قدح را بپوشانند بقدر پنجدقیقه بخار بدهید بعد از آن هر نقطهٔ که جوروك است با دست خوب مالش داده بخوابند

﴿ زن داری ﴾

﴿ المرأة ریحانة ایت بقهرمانه ﴾

کمال انسانیت و نهایت آدمیت آنست که مرد هیچ وقت بقوم و خویش زن خود بد نگوید چه اگر بگوید ولو بنوع شوخی باشد گمان میکنند که شاید از نظرش افتاده باشند و لامحاله بواسطه ان بدی که بواسطه داده است از او خواهد رنجید و ابدا ملاحظه اینرا نخواهد کرد که بعنوان شوخی است سخن سنجیده باید گفت ای برادران گرامی دینی من زن رقیق القلب میباشد و بچزئی نامهربانی داش آتش میگیره هیچ در حق وی سوء ظن نکن و چنانچه اغلب مردم مبتلا هستند هرچیزیکه ازمادر شصت ساله خودشان دیده اند واذا اززن جوانشان متوقعند شما متوقع نباشید حضرت سید کونین امام مشرقین امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود پر حضرت امام حسن علیه السلام میفرماید که زنرا پر کار کردن مجبور اکن فان المرأة ریحانه لیست بقهرمانه یعنی زن ریحان است قهرمان نیست نباید از او چیز های سخت متوقع باشی آیا انصاف است که بیچاره زن وقتی که طوق اطاعت تورا بگردنش انداخت شما اورا پندهٔ صرف بدانید هر جور تحکمات داشته باشید بان بیچاره امر بکنید نه خدا باین راضی است ونه اولیاء اش بپذیرید خدا و رسولش در باره زن بشما ها چه وصیت میفرمایند همیشه شما هارا بملاطفت ومهربانی زندگوت نموده اند نیك تاکنون نوشته اند چرا ملاحظه نمیفرمائید حق شما است که از روی ادب و انسانیت با انها سلوك بنمائید وقتی که شما با انها خوش رفتاری کردید و براسباب انها اظهار میل و مهربانی نمودید همین وقت در میانه شما جدال و نفاق و قهر و اشتقاق نمی افتد و باکمال صداقت و رفاقت عمر بسر میبرید

در خصوص لباس زن بقدر امکان از هر انچیزیکه خوشتان می آید پروی ارائه فرمائید و پیش از خریدن پرآنها نشان بدهید وسیل خودتان را پرانها اظهار بنمائید واز کدام دوخت پسندتان می آید پرانها بگوئید تابان ترتیب درست کنند

بقدر امکان هیچوقت از جویا شدن احوال انها قصور نورزید و هر گاه او را بی دماغ و و دلتنك یافتید بطور کمال از احوالش جویائی به کنید و دلجوئی کامل بدست بیاورید و همه قسم اسباب راحتی و آسودگی را فراهم بگنید چه اگر بگنید مثل این است که تمام دنیا را بانها داده اید

هر وقتی که از خانه بیرون میروید با دلخوشی وشادمانی ازاوجدائی نمائید چرا که چنانچه ذکر شد زن قلبش نرم میشود چه اگر شمارا در اینحالات ببیند چون نك و تنها در خانه میماند و کسی را نه می بیند گهگاه آنها درد دل بنماید تابدین جهة تخفیف حزن وغم ایشان بشود لامحاله غصه می خورند و این باعث همه جور فساد ها می شود بیچاره زن چه بگند که در دنیا بعد از شماها امیدی ندارد بیچاره زن چه بگند آرزویش را تمام در رضایت و خوشنودی شما می بیند بیچاره زن چه بکند تمام قصدشان اولا شمارا در محبت ومهربانی شما بیدا کند پس لورا است که هر وقت از آنها دوری جستی بطور دلگیری و خوشحالی سوا بشوید

و چنانچه اگر یك دفعه از زن یك اوقات تلخی و یا دلتنگی داشته باشید پیش اهل خانه ظهار نکنید و بی میلی خودتان را بر او جلو ایشان ظاهر نسازید که آنها جری نباشند و اورا اذیت نکنند و او پیش آنها بی وقر نباشد تا باعث بی ترتیبی خانه و بی نظامی امورات داخلی نشود بلکه اگر یك ایرادی و کدورتی داشته باشید در خلوت محرمانه بزبان خوش با کمال مهربانی و نصیحت بگن و بشاه راه هدایت دلالت نمائید این است که در این صورت هیچ بلجاجت امی فتد و مفاسد تو بعمل می آید و امورات خانه منظم می شود و ابدا میانه شما و او دلقی واقع نمیشود

﴿ مطبعهٔ طهران بطبع رسید ﴾